

## پناهگاه مبارک اعلیٰ حضرت همایون محمد رضا شاه پهلوی شاهنشاهی ایران

این محبت به دل پیرو جوان است هنوز  
 به سر پاکه لان درد زبان است هنوز  
 زبان سبب بر دشمن داد و سخنان است هنوز  
 سگوه نابر دلم از چرخ زمان است هنوز  
 آری این غم به دل خردو کمان است هنوز  
 در دل امید وصال تو نمان است هنوز  
 کرچه این راه بسی امن و امان است هنوز  
 به دعا کوئی تو شام و اذان است هنوز  
 سوی بالاشده و مانده چنان است هنوز  
 پست و محتاج به یک قدم نمان است هنوز  
 تا که در دیده ما جسد مکان است هنوز  
 در کف ما همسگی، روح و روان است هنوز  
 کرچه کس زار بداندیشه خندان است هنوز  
 لایق دشمن تو، تیر و کمان است هنوز  
 کرچه دست همه جا حاسمی آن است هنوز  
 ده چه زیبا و چه شیرین و کران است هنوز

مهرش مانند تو در دل و جان است هنوز  
 حمد و شکر این حق حافظ جان و تن تو  
 مرغ دل خسته کم کرده خود می جوید  
 دست تقدیر و قضا از دهنم دورم کرد  
 غم و حسرت دیدار تو ام بر دل ماند  
 ضربت تیغ قضا کرچه ز پایم انداخت  
 ای خداوند، کنی کن که بمخمسد بر من  
 شیر بار! خبرت هست که این قوم پیوسته  
 ای بسا دست و عا به تقای عمرت  
 هر که شد دشمن تو، کج خفا شد جایش  
 پادشاه، قدمی رنج در این کشور کن  
 هر چه دایم فدای سر و پایت سازیم  
 لاله ای سبز نکرده، به چشم سزار عدو  
 وارث کشور کورش! بخشد ای خدایا  
 یارب! آن شاه جوان را تو نمکد آری کن  
 یوسف شتر تو! مسرور! بازار ادب